

هو الله - ای یاران عبدالبهاء حمد خدا را که این زندانرا...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۷

هو الله

ای یاران عبدالبهاء حمد خدا را که این زندانرا بهر یاران ایوان فرمود و این سجن اعظم را گلشن الطاف جمال قدم کرد هر چند مسجون و محصور ولی الحمد لله هر يك از یاران الهی مانند سید حضور جانفشانیم و شادمان قربانیم و کامران خون خویش سبیل کنیم و رضای ربّ جلیل جوئیم زهر را شهد یابیم و تلخ را شیرین شماریم مشام از نفحات قدس معطر است و دیده از پرتو ملکوت ابهی منور و قلوب در تبّتل هر شام و سحر و متضرّع باستان جلیل اکبر که :

ای پروردگار آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری پس یاران مشتاق را بهره‌ئی از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلبر آفاق بخش آوارگان بادیه هجرانرا بحریم وصال در آر و گمگشتگان صحرای فراق را محرم حرم وصال کن عاشقانرا از حرمان نجات ده و آشفتهگان را در بزم قرب سر و سامان بخش صامتانرا ناطق کن و قانطانرا امیدوار فرما بیگانگانرا آشنا کن و محرومانرا محرم راز فرما مخمودانرا بر افروز و منجمدانرا بنار محبت بسوز طریق هدی بنا و ابواب ملکوت ابهی بگشا بنیان حسد و بغضا بر انداز ایوان محبت و وفا بر افراز و بیچارگانرا چاره ساز ای دلبر مهربان هر بینوائی سر گشته کوی تو و هر مرغ بی پر و بالی گرفتار موی تو و هر سر گشته و سرگردانی ناظر بسوی تو و هر سوخته دلی تشنه جوی تو و جهانیان هر چند غافلند ولی بجان در گفتگوی تو ندانند و نشناسند نجویند و نپویند ولی مستحق الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف ای کریم نظر



ORIGINAL



AUDIO

باستعداد هر سقیم مفرما بفضل عمیم معامله کن و بنور مبین هدایت فرما یاران خویش را یآوری کن و عاشقان ملکوت جمالرا بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش هر یک را بر خدمت آستان موفّق کن و در زمره راستان در آر و از دوستان راستان کن توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و تابان.

ای یاران روحانی من جناب اسحق خان با چشمی گریان و دلی سوزان و کبدی بریان خواهش تحریر نامه نموده و رجای اثر این خامه فرموده و فی الحقیقه دوستان را سر باستان است و یارانرا بنده و پاسبان با رخی افروخته و دلی سوخته ذکر احبّای الهی نماید و طلب تأیید نامتناهی فرماید و عبدالبهاء را بعجز و زاری در درگاه حضرت احدیّت مجبور نماید تا بملکوت ابری بگیریم و بزارم و باحبّای الهی نامه نگارم و از آستان اسم اعظم محبّانرا عون و عنایت طلبم

ای یاران هزاران شکر آندلبر مهربانرا سزاوار که مؤمنانرا چنین با یکدیگر مهربان فرموده و مشتاقانرا تعلق دل و جان بخشیده تا بتوانید با یکدیگر عشق ورزید و همدگر را پرستش نمائید و با بیگانگان نیز آمیزش نمائید و هر ملحد عنودیرا پرورش نمائید و فضل و بخشش شایان و رایگان فرمائید این است مسلک اهل بهاء اینست روش ثابتان بر میثاق اینست صفت عاشقان دلبر آفاق اینست سمت منجذبان ملکوت اشراق.

امیدوارم که مانند شمع بر افروزید و بمثابه نار موقده الهیه پرده اوهام و ظنون مقلدان اهل فنون بسوزید زیرا در این ایام بعضی از بیفکران چنان گمان کرده اند که فنون مخالف حقائق و معانی منزله از ربّ بیچون است و حال آنکه آنچه بوحی الهی نازل حقیقت واقع و آنچه از مسائل فنیّه و افکار فلاسفه مخالف نصّ صریح کتاب است آن نقص در فنون و علوم است نه در حقائق و معانی مستنبطه از جمال معلوم چنانکه در قرآن آیاتی مصرّح نازل که مخالف آراء حکمیّه و مسائل فنیّه و قواعد ریاضیه اهل فنون آن عصر بود لهذا همچو گمان شد که این نصوص الهیه خلاف واقع زیرا مخالف قواعد فنیّه ریاضیه مسلّمه در آفاق بود و در آزمان مسائل ریاضیه بتمامها مؤسس بر قواعد بطلمیوسیّه بود و مجسطی در جمیع اقالیم مسلم جمیع اهل فنون بود و مبنای رصد بطلمیوس بر سکون ارض و حرکت افلاک بود و نصوص قرآنیّه چنانچه میفرماید "و کلّ فی فلك یسبحون" مخالف آن

و همچنین از اساس رصد بطلمیوس آفتاب را حرکت فلکی قائل و نصّ قرآن آفتاب را حرکت محوری ثابت چنانچه میفرماید "والشمس تجری لمستقرّ لها ذلك تقدیر العزیز العلیم" ولی بعد از آنکه اصحاب فنون و ریاضیون هزار سال تدقیق کردند و تحقیق نمودند و آلات و ادوات راصده ایجاد کردند و رصد نجوم نمودند واضح و مشهود شد و ثابت و محقّق گشت که نصّ صریح قرآن مطابق واقع و جمیع قواعد بطلمیوسیّه باطل "انّ فی ذلك لعبرة لأولی الاباب"

سبحان الله بعضی اهل معارف اروپا را گمان چنین که دین مخالف علم و معارض آن بلکه نعوذ بالله سبب استیلاء جهل بر جمیع مردمان زیرا گویند که علم را دلیل و برهان و دین را نه اساسی نه بنیان و حال آنکه دین الهی مروج علم است و مؤسس فنون و مبین مسائل و شارح حقائق چنانکه قوم عرب در نهایت جهالت بودند بلکه کور و کر و بمثابه بهائم در جزیره العرب بر حله الشتاء و الصیف مألوف و باقیح اعمال و اشنع عادات موصوف چون جمال محمدی از افق یثرب و بطحاء جلوه نمود دین الله چنان قدرت و قوتی بنمود که در اندک زمانی این اقوام جاهله در جمیع علوم و فنون سر حلقه دانایان شدند و نواقص علوم و فنون فیلسوفانرا اكمال نمودند و همچنین در جمیع مراتب ترقی باوج اعلی رسیدند چنانکه بغداد مرکز علوم شد و بخارا مصدر فنون گشت و علم چنان رایتی در اندلس بلند نمود که جمیع دانایان اروپا در مدارس قرطبه و کوردوفان آمده اقتباس انوار علم را از مشکاة مدارس اسلام مینمودند از آنجمله جوانی از اهالی اروپا در مدارس کوردوفان از ائمه دین اسلام تحصیل علوم و فنون نمود و چون باروپ مراجعت کرد چنان جلوهئی نمود که او را در مدتی قلیله پاپ انتخاب نمودند و بجمیع اقالیم اروپا حکمران شد و این تفصیل در تاریخ دربار فرانسوی مذکور و تاریخ مذکور مطبوع.

باری این بنصوص تاریخیه مثبت و همچنین ملاحظه نمائید که قوم اسرائیل در بلاد مصر در نهایت ذلت و اسیری بودند و در صحرای جهل و نادانی سرگردان چون حضرت کلیم مهتدی بنار موقده الهی گشت و از شعله طور لمعه نور مشاهده فرمود بهدایت اسرائیل بر خاست آنقوم سر گشته و سر گردان و اسیر ظلم ستمگران و محمود و محروم از جمیع علوم و فنون را بارض مقدسه کشانید و تاسیس دین الله فرمود و بنصائح پرداخت و وصایای الهی مجری داشت در اندک زمانی اسرائیل در جمیع علوم و فنون ترقی نمود و آوازه اسرائیل بشرق و غرب رسید و صیت دانائی اقالیم عالم را بمرکت آورد حتی فلاسفه یونان اکثری مانند سقراط و فیثاغورس بارض مقدس شتافتند و از اسرائیل تحصیل علوم و فنون نمودند و ببلاد یونان شتافتند یونانیانرا دانا کردند و از خواب غفلت بیدار نمودند این بود که فلاسفه یونان در علوم و فنون آن صیت و شهرت یافتند حال با وجود این دلائل باهره و براهین قاطعه که بنصوص جمیع تواریخ امم ثابت آیا انصافست که کسی بر زبان راند که دین مخالف آئین معارف و علوم است استغفر الله من ذلك عنقریب خواهید دید که بهائیان در جمیع علوم و فنون سر حلقه دانایان گردند و کوس علم و دانشرا در اوج اعلی زنده مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند و لیس ذلك علی الله بعزیز وعلیکم البهاء الابهی ع

